

مهاجرت روستاییان به شهر برای معیشت بهتر



کتاب مریم مقدم

همدان پیام: آنچه در غریزه و سرشت آدمی ریشه دوانیده است روبه تغییر بودن شرایط زندگی و کسب تجارب متفاوت است. اما در این میان وقتی پای تفاوت موقعیت جغرافیایی به میان می‌آید واژه‌ها حجیم‌تر و گستره رویدادها پهناورتر می‌شود. وقتی که بشر، زندگی را آغاز کرد آب و آبادانی مهمترین دلیل برای زندگی در یک مکان جغرافیایی بود و این خصیصه دلیلی شد برای یکجانشینی اقوام مختلف. اما صدها سال که گذشت و نیاز انسان‌ها که رو به تنوع رفت مردم به دنبال این بودند که زندگی کردن در اماکن پیشرفته‌تر با امکانات متفاوت‌تر را تجربه کنند. اینگونه شد که مهاجرت از یک منطقه به منطقه‌ای دیگر رقم خورد. اما پس از رو به صنعتی رفتن جوامع؛ بیش از هر نوع مهاجرت، نقل و مکان روستاییان از روستاها به شهرها به دلیل رو به پیشرفت رفتن و کسب درآمد بیشتر، مشهودتر شد.

یکی از مشکلاتی که پس از انقلاب صنعتی به وجود آمد مهاجرت از روستا به شهرها بود. با وقوع انقلاب صنعتی و ایجاد کارخانه‌های متعدد و نیاز آنها به نیروی کار فراوان، ساکنان روستاها به امید پیدا کردن شغلی مناسب، رهسپار شهرها شدند. بر اثر این مهاجرت، نیروی کار جوان روستایی از بین رفته و در نتیجه میزان تولید محصولات کشاورزی کاهش یافت. علاوه بر این، شهرها با سیل عظیمی از مهاجران روبه رو شدند در حالی که خیابان‌ها، مراکز بهداشتی، آموزشی، مسکن و غیره ظرفیت پذیرش این همه جمعیت را نداشتند.

مهاجرت از پیچیده‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و حتی شرایط محیط طبیعی هم در مبدأ و هم در مقصد در چگونگی آن تأثیر دارند.

در چند دهه اخیر شیوه عمل نظام اجتماعی اقتصادی حاکم بر کشورمان به همراه تنوع و گوناگونی در شرایط محیط طبیعی و اجتماعی فرهنگی سبب شده است تا روستاها نتوانند همگام با تحولات جدید به وجود آمده حرکت کنند به گونه‌ای

که در بیشتر موارد ضمن از دست دادن کارکردهای خود، با کاهش جمعیت و بروز پدیده مهاجرت روبه‌رو شده‌اند تا حدی که تداوم این روند، تخلیه و نابودی بسیاری از روستاها را نیز در پی داشته است.

مهاجرت روستا - شهری از جمله رویدادهایی است که وقوع گسترده آن در دهه‌های اخیر مسائل عدیده‌ای را به لحاظ مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در کشورمان موجب شده است. پدیده مذکور شکلی از اشکال تحرک فضایی جمعیت است که به مثابه یکی از مهمترین عوامل دگرگون‌کننده قضا‌های شهری و روستایی از نقطه‌نظر ساخت و کارکرد محسوب می‌شود. بنابراین مهاجرت روستایی، معلول تحولات جامعه روستایی در اثر عوامل درونی و بویژه بیرونی است به طوری که از یک طرف معلول تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاها بوده و از طرف دیگر

به مثابه عاملی برای ایجاد تحولات بعدی محسوب می‌شود.

بخشی از مهاجرت‌های روستایی در ایران ناشی از مهاجرت جمعیت اضافی یا به اصطلاح سرریز جمعیت روستاها است که مهاجرتی طبیعی و منطقی است.

اما بخش دیگر مهاجرت توأم با تخلیه روستا از نیروی فعال است که این مقوله برای بقای روستاها و حفظ تولید محصولاتی که در روستا تولید می‌شود نگران‌کننده است در حالی که برای خود روستاییان مطلوب بوده و آنها به امید دستیابی به شرایط زندگی بهتر، مهاجرت می‌کنند.

وجود جاذبه‌های شهری مانند پارک‌های زیبا و تفریحی و امکانات ایاب و ذهاب، ساختمان‌های شکیل و وجود مغازه‌های رنگارنگ در کنار پیکدیرگ و از طرفی وجود روح تنوع‌طلبی در جوانانی که در محیط سرد و آرام روستاهایی زندگی کرده‌اند که به ندرت اینچنین امکاناتی دارند سبب رشد مهاجرت می‌شود.

در روستا هیچگونه امکان کاری که مناسب با تحصیلات جوانان باشد وجود ندارد و جوان به ناچار به شهر می‌آید که خود این فرد الگوی سایر جوانان در روستا شده و مهاجرت را تشدید می‌کند. همچنین در روستا کار دائم و دارای درآمد مناسب برای بسیاری از جوانان وجود ندارد لذا جوانان برای یافتن کار به شهر می‌روند و با توجه به هزینه‌ها و مشکلات تردد یا اسکان جوانان مشغول کار در شهر، خانواده‌ها نیز

ترجیح می‌دهند با انتقال محل زندگی به شهر، این هزینه‌ها را کنترل و از مزیت‌های زندگی در شهر بهره‌مند شوند.

▲ **مشکلاتی که زاییده مهاجرت است**

اما آنچه در این میان انکارناپذیر است این مهم است که افزایش مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، منجر به افزایش مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود،

ترافیک افزایش می‌یابد، حاشیه‌نشینی توسعه می‌یابد، بیکاری مهاجران منجر به توسعه شغل‌های کاذب و افزایش تنش‌های اجتماعی و فعالیت‌های مخل آسایش و امنیت اجتماعی می‌شود همچنین افزایش تقاضای مسکن موجب ایجاد بحران‌های پی در پی مسکن و افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها می‌شود.

مهاجرت روستاییان به شهرها و تعدد فرهنگ‌ها باعث بروز چالشی بزرگ پیش روی مسئولان شهری می‌شود. برنامه‌ریزی برای شهری که فرهنگ آن یکنواخت است، آسان است اما برنامه‌ریزی برای شهری که فرهنگ‌های مختلف و اقلیت‌های متفاوتی در آن زندگی می‌کنند، مشکل است.

در برخی مواقع، افرادی که از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند، دچار افسردگی می‌شوند. نوجوان مهاجر در شهر سطح زندگی خود را با افراد بالاتر مقایسه می‌کند و این

پیام تاریخ، تمدن و فرهنگ مادستان

پنجشنبه ● ۱۴ شهریورماه ۱۳۹۲

ضمیمه شماره ۱۸۷۸ همدان پیام ۸ صفحه رایگان ISSN: 2322 - 4673



پیام‌آدینه ۲۱۶ سال پنجم تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

نگاهی به پدیده مهاجرت در استان

فرار یا قرار!

همدان تنها شهر مهاجرپذیر استان



همدان رکورددار مهاجرت

کج سعید زارع‌صفا

همدان پیام: "هجرت" و "مهاجرت" از قرون پیش مورد تأکید و سفارش مکاتب از جمله دین اسلام بوده است. در محاسن هجرت؛ تسریع در تکامل اخلاقیات، دگرگونی تفکرات و افزایش آموخته‌های انسانی آورده شده است. اما مهاجرت و نقل مکان همیشه هم مثبت نبوده است که این البته به دلایل و مقدمات آن برمی‌گردد.

گاه مهاجرت‌ها به دلیل حوادثی مانند جنگ، سیل یا زلزله بوده یا بر اثر شرایط دشوار زندگی در موطن اصلی اتفاق افتاده است. به این دسته از مهاجرت‌ها می‌توان عنوان مهاجرت‌های ناخواسته داد که علل گوناگون و ثبات و عوارض شناخته شده‌ای هم دربی دارد.

سیل مهاجرت روستائیشان به شهرها در اواخر حکومت پهلوی و اوایل انقلاب را می‌توان در این دسته جای داد. با آغاز پروژه "انقلاب سفید" و تقسیم اراضی از سوی حکومت سابق، بسیاری از کشاورزان از اجرای این برنامه متضرر شده و مجبور به مهاجرت به شهر شدند. این قسم از مهاجرت روستاییان به شهرها نخستین مهاجرت سیل‌گونه در ایران بود. پس از آن نیز با رخ دادن انقلاب و آغاز جنگ تحمیلی

این روند ادامه یافت تا شهرهای ایران به سرعت توسعه جمعیتی پیدا کنند که با شرایط و امکانات عالی و تأسیساتی، همخوانی نداشت.

سیل دوم مهاجرت اما از سال‌های پس از جنگ و بخصوص در دهه ۷۰ رخ داد که جامعه دچار تورم وحشتناک و رکود کسب و کار در شهرهای کشور شد. فشار مضاعف تأمین معاش و رکود بازار کار موجب آن شد که جمعیت دلخوش کرده به حاشیه شهرهای کوچک، بار دیگر برای رهیدن از شرایط بحرانی خود بار سفر ببندند و این بار راه شهرهای بزرگ از جمله پایتخت کشور را در پیش بگیرند. مصداق این موج را می‌توان در مهاجرت چند ده هزار نفری شهرهای استان به سمت تهران و یا دیگر نقاط صنعتی کشور آورد. برنامه‌ریزی در شهرها به حدی نتوان بود که حتی شبیه کردن مشاغل کاذب که نوعی بیکاری پنهان محسوب می‌شوند هم نتوانست خانواده‌های مهاجرت کرده به شهر را راضی کند و این بود که استان همدان به یکی

از صادرکنندگان نیروی انسانی به شهرهای بزرگ از جمله تهران تبدیل شد. اما رقتن به شهرهایی با فرهنگ متفاوت و شرایط زندگی جدید همیشه با پیامدهای مثبت؛ همراه نیست. اگرچه مهاجران در وهله اول، رفاه در زندگی و تأمین هزینه‌ها برایشان مهم بود اما رفته رفته رفتار جمعیت نامتجانس

فرهنگی حاشیه شهرهای بزرگی چون تهران روی خلقیات آنها اثر می‌کرد. از خصوصیات مناطق حومه و حاشیه‌ای کلانشهرها؛ جرم‌خیز بودن و وجود ناهنجاری‌های اجتماعی است که کمتر کسی می‌تواند از داخل آن بدون آسیب بیرون بیاید. اما فارغ از مرئی‌های که بر سر مهاجران استان فرود آمد همدان و بخصوص مرکز استان هم از این رفت و آمد مهاجرتی کم آسیب ندید به طوری که پس از ترک جمعیت چند ده‌هزار نفری استان، جماعت دیگری از روستائیان استان‌های محروم همجوار از جمله کردستان به سوی همدان روانه شدند و در مناطق حاشیه‌ای شهر جا خوش کردند که اثرات این مهاجرت به مراتب بیشتر از مهاجرت داخل استانی بود؛ چه اینکه غالب مهاجران با فرهنگ



رسیدگی به مسائل و مشکلات تولیدکنندگان داخلی ترجیح دهد که این مسأله به تئوید و کشاورزی و دامداری داخل، لطمه وارد می‌کند. بالا رفتن قیمت زمین در سال‌های اخیر از دیگر عوامل اشتیاق روستائیان در فروش زمین و مهاجرت به شهرها بوده است چراکه با هزینه و فایده کردن خواهند دید که در ازای واگذاری زمین‌هایشان نه تنها می‌توانند در شهرها سکونت گزینند بلکه سود حاصل از فروش زمین برای آنها بسیار بیشتر و پر درآمدتر از حضور در روستا است و می‌تواند دلیلی باشد بر مهاجرتی که هر روز زیان آن روبه افزایش است؛ مهاجرتی که باعث نبود تولید شده و وابستگی کشور در انواع محصولات کشاورزی و دامی را موجب می‌شود و به تبع آن، مشکلات متعددی را مانند فقر و بیکاری در کنار مشکلات و معضلات بزرگ اجتماعی و فرهنگی در شهرها پدید می‌آورد.

در واقع مطالعات نشان داده ویژگی‌های زندگی محیطی در یک شهر یا محله موجب تفاوت آشکار در رفتار بویژه جوانان آن محل خواهد شد. برای مثال، مقایسه مجتمعه‌های مسکونی شمال و جنوب پایتخت و نوع حرکات و پوشش آنها همگی حکایت از تفاوت ترانه‌ها دارد که می‌تواند سبب ورود انواع واسطه‌گرها شده است. واسطه‌ها نقش زیادی را در ایجاد مشکلات اقتصادی برای کشور دارند. کشاورزهایی که توان حمل و نقل و توزیع محصول خود را ندارند مجبورند تولیدات خود را با قیمتی پایین به واسطه‌ها بفروشند؛ محصولی که تا رسیدن به دست مشتری و طی این راستا زمین چند برابر گران می‌شود و به جای آنکه سود به جیب کشاورز برود مقدار بیشتر آن در جیب واسطه رفته است. وقتی هم کشاورز می‌بیند وضع اینگونه است و متولی نیز در این راستا برای چاره‌جویی اقدامی نمی‌کند یا فروش زمینش به سود بیشتری دست پیدا می‌کند و در این راستا زمین را خشک می‌کند و می‌فروشد و به شهر مهاجرت می‌کند.

فروش ثقت و درآمدهای حاصل از آن موجب افزایش توان وارداتی کشور شده و باعث می‌شود دولت واردات را به

به دنبال مهاجرت معکوس باشیم

مهاجرفرستی را با امکانات برگردانیم



کج معصومه کمالوند

همدان پیام: روزگاری بود که اهالی روستاها در دورافتادگی مخون خود با امکانات بسیار ابتدایی و اولیه زندگی می‌کردند، انکار که اصلا راه شهر را بلد نبودند؛ آنقدر که به زندگی خود در روستاها انس گرفته بودند. این زمانی بود که هنوز از افتخار جمعیت و آلودگی‌های صنعتی در کلانشهرها خبری نبود، اما پیشرفت و میل به توسعه، موضوع مهاجرت را کم‌کم از طریق تحصیل فرزندان این خانواده‌ها به امید زندگی بهتر و شدن شرایط مساوی برای رشد و نمو نیروها؛ وضعیتی بدتر از قبل را پیدا می‌کرد.

اما در این میان عواملی در اینکه روستائیان راه مهاجرت را در پیش گرفتند موثر بود. با اینکه در یک دوره خاص این مهاجرت حالت مهاجرت معکوس به خود گرفت و شهرنشین‌ها به دلایل مختلفی به روستاها می‌رفتند و از شهرنشینی گریز می‌زدند اما باز هم حالت مهاجرت به شهرها، گوی سبقت را ربود. به درون یک روستا می‌رویم، روستایی که شاید به جرأت می‌توان گفت با وجود زاد و ولدهایی که در آن می‌شود اما باز هم جمعیت آن به سمت افزایش پیش نمی‌رود و این به گفته اهالی به دلیل آن است که اگر پیوندی هم صورت می‌گیرد خانواده جدید برای زندگی مشترک به شهر می‌روند.

یکی از اهالی می‌گوید در همسایگی آنها خانه‌های نوساز متعددی وجود دارد که فقط تابستان‌ها و ایام عید صاحبان آنها به آنجا می‌آیند و زندگی اصلی آنها در پایتخت می‌گذرد و این خانه‌ها برای آنها حکم تفریحگاه را دارد.

برخی دیگر هم می‌گویند بعضی همسایه‌ها برای داشتن زندگی بهتر و دسترسی به امکانات شهری، راه مهاجرت به شهرها را پیش گرفته‌اند و فرزندانشان که بزرگ می‌شوند و زمان تحصیلتشان فرا می‌رسد ترجیح می‌دهند او را در یک مدرسه شهری به مدرسه بفرستند در یک مدرسه روستایی که هنوز برخی امکانات اولیه مدرسه شهری را هم به چشم خود ندیده است.

اما در بعضی روستاها هستند برخی اهالی که باغ‌ها و مزارع خود را به دست کسی سپرده و برای تأمین معاش بهتر و بیشتر به شهر رفته‌اند و زندگی می‌کنند و تنها در فصول برداشت به روستاها می‌آیند. در کنار آن هستند افرادی که با یک خشکسالی یا کم‌آبی ... راه مهاجرت را پیش گرفته و خانه و کاشانه را رها کرده‌اند.

➤ **مهاجرت معکوس با افزایش امکانات روستاها امکانپذیر است**
توسعه مراکز صنعتی نباید به قیمت از بین رفتن اکوسیستم روستاها تمام شود، با افزایش امکانات روستاها می‌توان شاهد مهاجرت معکوس از روستاها به شهرها شد.

بهره‌گیری از منابع طبیعی روستاها نیاز به دانش گسترده دارد، زیرا یکی از ابزارهای بسیار کارآمد در بازار جهانی و رقابت، حمایت از خودکفایی ملی در امر تولید است. منابع طبیعی روستایی سهم عمده‌ای از تولید داخلی را به خود اختصاص داده‌اند به همین علت بهترین استراتژی برای کنترل نرخ بیکاری در کشور، سرمایه‌گذاری در عرصه مسائل صنعتی است.

دولت باید به دنبال کمک به بخش کشاورزی و دامداری باشد و بسترهای توسعه این ۲ صنعت به روش‌های مدرن و علمی را مهیا کند تا

تأثیر مهاجرت‌ها

بر تصمیمات سیاسی

کج محمد سپهرابی

همدان پیام: مهاجرت از جمله پدیده‌هایی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و اغلب نیز با هدف کاستن از مشکلات و یافتن موقعیت‌های بهتر و مناسب‌تر برای زندگی انجام می‌پذیرد.

در این میان، نقاط هدف و مقصد مهاجران با توجه به شرایط گوناگون اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و حتی سیاسی متفاوت بوده و برخی شهرها که از وضعیت مناسب‌تری برخوردار هستند، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر مهاجرپذیری یک شهر و مهاجرت افراد با فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت به آن، علاوه بر تغییر شرایط زندگی مهاجران، آثار و پیامدهایی نیز برای شهر میزبان در زمینه‌های مختلف دارد.

تأثیرگذاری بر بافت فرهنگی و اجتماعی شهر، بروز مشکلات اقتصادی، تخصیص بخش عمده‌ای از امکانات شهری برای ساکنان جدید، تحت‌شمار قرار دادن تصمیمات و سیاستگذاری‌های دست‌اندرکاران امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی شهر با توجه به میزان جمعیت و تغییرات صورت گرفته در این زمینه و مواردی از این قبیل همگی از جمله پیامهای مهاجرت گسترده افراد به یک شهر است که باعث بروز چالش‌های متعددی می‌شود. در کنار این چالش‌ها، برخی فرصت‌ها نیز ممکن است از قِبل ورود افراد جدید به یک منطقه ایجاد شود و ظرفیت‌هایی را به وجود آورد که چه بسا بهره‌گیری از آنها موجب رشد و توسعه آن منطقه شود؛ چراکه افزایش نیروی انسانی توانمند، ظرفیت‌های ارزشمندی را در اختیار شهر یا منطقه قرار می‌دهد و زمینه بسیاری از فعالیت‌های مؤثر در توسعه را فراهم می‌آورد. به طور کلی پدیده مهاجرت هم از جهت مثبت و هم منفی دارای آثار و بازخوردهایی است و چنانچه مدیریت صحیح در خصوص ساماندهی مهاجران و نحوه اختصاص امکانات به ساکنان جدید صورت نگیرد نه‌تنها فرصت‌های ناشی از مهاجرت از دست می‌رود؛ بلکه پیامدهای منفی و چالش‌های متعدد آن که به طور قطع بیش از آثار مثبت است، یکی پس از دیگری خود را نشان داده و موجبات بسببازی از مشکلات، آسیب‌ها و خسارات مادی و معنوی را فراهم می‌آورد.

نکته قابل توجه در این زمینه، تأثیرگذاری مهاجرت بر حوزه سیاسی است که با توجه به آثار و پیامدهای پیش‌گفته از جهات مختلف، اهمیت خاصی دارد.

هرچند در نقطه مقابل، تصمیمات مدیران سیاسی نیز در کاهش یا افزایش چنین پدیده‌ای و اثربخشی بر آن قابل ملاحظه است، اما از آنجایی که مسیر مهاجرت در کشور، ما، روند یکنواختی نداشته و به مقتضای شرایط و اوضاع و احوال هر زمان شاهد کاهش یا افزایش آن بوده‌ایم، در اغلب موارد، اثربخشی مهاجرت‌ها بر تصمیمات سیاسی چشمگیرتر بوده است. همدان به عنوان یک شهر مهم و پرظرفیت، با سابقه تاریخی و فرهنگی درخشان و نیز برخوردار از شرایط اقلیمی و جغرافیایی مناسب، از دیرباز مورد توجه مهاجران بوده و افراد زیادی از نقاط مختلف استان و حتی خارج از استان به همدان مهاجرت کرده و در آن ساکن شده‌اند؛ به طوری که این شهر در زمره ای مهم‌ترین نقاط مهاجرپذیر کشور بوده و در استان نیز بیشترین آمار مهاجران را به خود اختصاص داده است.

همین مسأله باعث شده تا امروزه شاهد حضور قشرهای مختلف از قومیت‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در این شهر باشیم؛ به طوری که در تقسیم‌بندی‌های جمعیتی از گروه‌های مختلف اجتماعی با ویژگی‌های فرهنگی و زبانی مختلف یاد می‌شود.

بی‌شک، رشد پرشتاب مهاجرت‌ها به همدان و به تبع آن افزایش جمعیت این شهر بزرگ، آثار و پیامدهای متعددی را به دنبال داشته و در کنار برخی چالش‌ها و مشکلات ناشی از مهاجرت، فرصت‌هایی نیز به مرور ایجاد شده که البته میزان استفاده از آنها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه نیروی انسانی موجود، کاملاً مشخص نیست.

با این وجود نمی‌توان انکار کرد که مهاجرت‌های بی در پی به همدان علاوه بر اثرگذاری در مباحث اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، حوزه سیاسی را نیز تا حدودی تحت‌تأثیر قرار داده و در تصمیمات و سیاستگذاری‌های خرد و کلان، منظر مدیران و دست‌اندرکاران امر بوده است. حقیقت امر آن است که مهاجرت‌ها گرچه کاملاً قابل پیش‌بینی نیستند، اما پس از اینکه رشد پرشانی به خود گرفته در افزایش جمعیت یک شهر مؤثر واقع می‌شوند، برنامه‌ریزی‌های مختلف در حوزه شهری، شهرستانی و حتی استانی را تحت تأثیر قرار داده و نهاده‌ها و دستگاه‌هایی چون استانداری، فرمانداری، شهرداری و شورای شهر ناگزیر از توجه خاص به این پدیده و لحاظ نمودن ضرورت‌های آن در همه تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها هستند تا نه‌تنها مشکلات ناشی از ورود افراد جدید به شهر و رشد جمعیت کاهش یابد؛ بلکه ضمن ارائه امکانات مناسب به ساکنان جدید، از فرصت‌های احتمالی آن نیز در جهت رشد و توسعه شهر و استان استفاده شود.

پس می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که پدیده مهاجرت علاوه بر اثرگذاری در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، حوزه سیاسی ار نیز به طور خاص تحت تأثیر قرار می‌دهد و لذا هم مدیران سیاسی و دست‌اندرکاران امور شهر و استان و هم دستگاه‌ها و نهادهای مختلف سیاسی ناگزیر از توجه به چنین پدیده‌ای هستند.

اینکه در سیاستگذاری‌ها و تصمیمات مسئولان استان، شهرستان و شهر همدان قدر به این موضوع پرداخته شده و ضرورت‌های ناشی از آن بخصوص کاهش مهاجرت‌ها به خارج از استان، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به مرکز استان و ساماندهی امور مهاجران چه میزان مورد توجه قرار گرفته است، نیاز به بررسی دقیق‌تری دارد؛ با این حال می‌توان با توجه به روند پرشتاب مهاجرت به همدان در گذشته و مقایسه وضعیت دیروز و امروز شهر از جهات مختلف به برخی نتایج دست یافت.

مهار مهاجرت

کج مهدی غلامی

همدان پیام: جمعیت روستایی ایران قبل از انقلاب، ۷۰ درصد جمعیت کل کشور بود که اکنون به زیر ۳۰ درصد رسیده است. سهم استان همدان در این شهرنشینی نزدیک به ۶۰ درصد عنوان شده است. این در حالی است که در ذکر این آمارها نیز ششک و تردیدهایی وجود دارد چرا که با وجود اینکه تمام اطلاعات مهم جمعیتی از قبیل تولد، مرگ و میر و ازدواج به شکل ثبتی موجود است اما مهاجرت در هیچ جایی ثبت نمی‌شود؛ شاید غفلت در سایر بخش‌های توسعه‌ای کشور، این بار نیز ما را از یکی از مهم‌ترین بخش‌های توسعه‌ای غافل کرده است.

روستائیان کشور آمریکا با در دست گرفتن بیشترین سهم برای تأمین غذای این کشور، نه تنها صاحب قدرت و نفوذ هستند بلکه آمریکا را تبدیل به یک ابرقدرت در زمینه محصولات کشاورزی کرده‌اند. روستائیان این کشور با وجود اینکه درصد کمی از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند اما کشور خود را از نظر محصولات کشاورزی خود کفا کرده‌اند. به طور مسلم این مسأله مستلزم سرمایه‌گذاری‌های زیاد در روستاهاست؛ امری که در ایران کمتر اتفاق می‌افتد.

آنچه در آمارها به طور معمول ذکر شده اینگونه بوده که نقش روستاها در تولید ناخالص داخلی کشور بین ۹ درصد و عمده این‌نقش در بخش کشاورزی است. کشاورزی روستا در ایران تنها به معنی کشت محصول نیست و شامل زراعت، دامپروری، ماهیگیری و جنگلداری نیز می‌شود. بنابراین روستائیان در مناطق جغرافیایی کشور سهم بسیاری دارند و با تولید محصولاتی مانند گندم توانایی رساندن کشور به خودکفایی غذایی را دارند. در حال حاضر این سهم در تولید ناخالص داخلی نسبت

واکاوی علل مهاجرت در گفتگو با استاد دانشگاه:

کسب در آمد و اشتغال مهمترین دلایل

کاکرم چهاردولی

همدان پیام: پدیده مهاجرت روستاییان از جمله عواملی است که به دلایل عواملی از جمله نبود تعادل اقتصادی میان شهر و روستا و نبود امکانات مورد نیاز در روستاها به وجود می‌اید.

واقعیت امر این است که مهاجرت علاوه بر ایجاد ناهماهنگی بین خدمات‌رسانی و امکانات موجود شهری، باعث افزایش مشکلاتی از قبیل بیکاری و حاشیه‌نشینی نیز می‌شود.

براساس شواهد، اغلب حاشیه‌نشینان اطراف شهرها را کسانی تشکیل می‌دهند که از روستا به شهر مهاجرت می‌کنند، به گونه‌ای که به گفته مدیرعامل شرکت عمران و مسکن‌سازان همدان، ۵۹۷ هکتار از مساحت شهر همدان؛ حاشیه و سکونتگاه‌های غیررسمی‌است

همدان هم مانند بسیاری از شهرها، عرصه گسترش شهرنشینی است و سرعت این تحول در آن بسیار بیشتر از سایر مناطق می‌باشد، بویژه آنکه بخش اعظم جمعیت استان در مرکز آن مستقر است.

به نظر می‌رسد کمبود امکانات روستایی بویژه نبود مدرسه، جاده مناسب، بهداشت و درمان و... از جمله مسائلی است که در حال حاضر باعث افزایش مهاجرت روستاییان به شهرها شده است.

امروزه مهاجرت از پایین بودن درآمدها و نبود مشاغل پایدار هم نشأت می‌گیرد. این مسأله باید یکی از مهمترین نکات مدنظر مسئولان استانی و کشوری نیز باشد.

علل مهاجرت، وابسته به ویژگی‌های گوناگون شخصی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افراد است. هدف عده‌ای از مهاجرت؛ اشتغال است و قصد عده‌ای دیگر؛ تحصیل، ازدواج و... که به طور قطع نتایج متفاوتی دارد.

کسب درآمد و اشتغال مهمترین دلایل مهاجرت

به عقیده جامعه‌شناسان مهاجرت پدیده پیچیده‌ای است که مطالعه آن نیاز به بررسی ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و روابط اجتماعی آنها دارد.

به اعتقاد موسی اعظمی جامعه‌شناس

روستایی و عضو هیأت علمی دانشکده کشاورزی بوعلی‌سینا مهاجرت در معنای عامیانه آن جابه‌جایی جمعیت از نقطه‌ای به نقطه دیگر است که می‌تواند به صورت دائم، کوتاه‌مدت یا فصلی صورت بگیرد.

اعظمی در گفتگو با همدان پیام می‌افزاید: مهاجرت



استان همدان از استان‌هایی است که هنوز جمعیت روستایی و تراکم جمعیت در آن در مقایسه با میانگین کشوری بالاتر است که این موضوع دلایل خاصی دارد اما به دلیل افزایش تمایز بین مناطق شهری و روستایی در استان بویژه مرکز آن شاهد گرایش روزافزون روستاییان به مهاجرت به مرکز استان هستیم

درآمد و معیشت بیشتری برای مردم وجود دارد؛ تغییر می‌یابد.

وی با بیان اینکه استان همدان نیز از استان‌هایی است که هنوز جمعیت روستایی و تراکم جمعیت در مقایسه با میانگین کشوری در آن بالاتر است، می‌افزاید: این روند دلایل خاصی دارد اما ما به دلیل افزایش تمایز بین مناطق شهری و روستایی در استان بویژه مرکز استان، شاهد گرایش روزافزون روستاییان به مهاجرت به مرکز استان هستیم و علاوه بر این، معیشت ناپایدار روستایی نیز روند مهاجرت را تسریع کرده است.

مهاجرت پدیده‌ای منفی در توسعه

اعظمی می‌گوید: مهاجرت پیامدها و تبعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نامطلوب دارد یعنی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان به طور عمده آن را پدیده‌ای منفی در توسعه می‌دانند.

به گفته وی مهاجرت باعث تغییر بافت اجتماعی و فرهنگی مناطق مهاجرپذیر خواهد شد و از آنجا که فرهنگ روستایی کاملاً متفاوت از فرهنگ شهری است تزریق بدون برنامه‌ریزی این فرهنگ در فرهنگ شهری باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق شهری خواهد شد. یعنی رفتارهای سنتی مردم روستایی کاملاً ناسازگار با رفتار مدرن یا نیمه‌مدرن شهری است که این موضوع موجب بروز تضاد اجتماعی خواهد شد و این تضادهای اجتماعی موجب شکل‌گیری رفتارهای نامتجانس خواهد شد که عمدتاً نامطلوب است.

اعظمی ادامه تحصیل، رفاه اجتماعی و اقتصادی و کسب درآمد و اشتغال را از جمله انگیزه‌های مهاجرت بیان می‌کند و می‌گوید عامل اصلی مهاجرت، تفاوت در سطح درآمدها و نبود اشتغال پایدار در مناطق روستایی است.

تأثیرات نامطلوب بر روابط اجتماعی و اقتصادی

جامعه‌شناس دیگری در این خصوص می‌گوید: نبود امکانات در روستاها، یکی از مهمترین عوامل مهاجرت روستاییان به شهرهاست که تأثیر نامطلوبی بر روابط اجتماعی و اقتصادی در جامعه دارد، بنابراین مسئولان

باید نسبت به گسترش خدمات‌رسانی و امکانات در روستاها اقدام کنند.

بهرامی می‌افزاید: در حال حاضر وجود تأسیساتی مانند آب، برق، تلفن، مدرسه و... نتوانسته بر جاذبیت‌های زندگی در روستاها بیفزاید یا مانعی برای مهاجرت جوانان از روستاها به شهرها باشد.

ارتباطات مهاجرت را افزایش می‌دهد

لازم است در مناطق حاشیه همدان که بخش مهمی از جمعیت مهاجر را به خود جا داده؛ با این پدیده با منطق و درایت علمی برخورد شده و نسبت به شناخت مسائل و مشکلات آن اقدام شود. بر مبنای تعریف حاشیه‌نشینی یا اسکان غیررسمی در شهر همان این محلات در زمره مناطق اسکان غیررسمی محسوب می‌شوند.



مسئولان و تصمیم‌گیران در رقابشان

تیشه بر ریشه روستاها زدند

ککسمانه جهانگیری عرش

همدان پیام: هویت‌های کم شده در پستوی زندگی شهری، از بین رفتن سنت‌هایی که گاه قوام یک زندگی ساده روستایی را به دنبال داشت، در کنار پذیرش مشاغل کاذب، ساخت سکونتگاه‌های غیرمجاز، اعتیاد و... حاصل مهاجرت روستائیان به شهرهاست.

اما چرا هر بار که از کنار این مشکل و مشکلاتی چون حاشیه‌نشینی، ساخت و سازهای غیرمجاز دستفروشی و... عبور می‌کنیم انگشت اتهام خود را به سوی مهاجران نشانه می‌گیریم.

طبق اعلام مدیرکل دفتر آمار استانداری همدان، جمعیت استان در سال ۹۰، یک میلیون و ۷۵۸ هزار و ۲۶۸ نفر بوده که در سال ۸۵ این رقم یک میلیون و ۷۰۳ هزار و ۲۶۷ نفر گزارش شده است. (۶۴ صدم درصد نرخ رشد جمعیت می‌باشد).

به گفته سافرجیان ضربرب شهرنشینی در سال ۸۵،

۵۷/۶ درصد بود اما در سال ۹۰

به ۵۹/۲ درصد رسیده است. به

گفته وی استان همدان دارای یک هزار و ۲۱۰ روستا است که در این سال‌ها به دلایل مختلف از جمله مهاجرت، ۱۳۷ روستا خالی از سکنه شده‌اند.

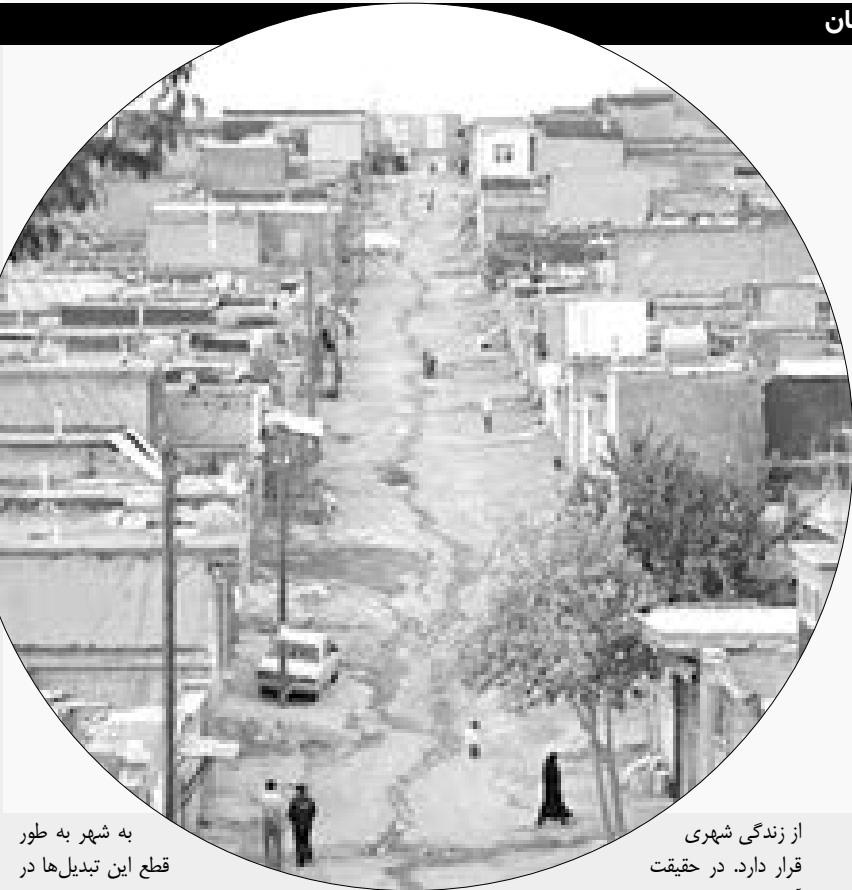
شاید مباحثی چون زرق و برق موجود در شهرها عامل

مهاجرت روستاییان به شهر

باشد اما به ادعان کارشناسان، مهمترین دلیلی که برای این مشکل مطرح است، کم‌توجهی شهرداری‌ها در جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز است که منجر به ساخت و ساز واحدهای غیرمجاز و غیراصولی در مناطق حاشیه‌ای برای سکونت می‌شود و این مناطق حاشیه‌ای را به شکل امروزی گسترش می‌دهد.

بنا به تحلیل یک کارشناس اجتماعی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور همدان با تبدیل روستاها به شهر براساس شاخص‌هایی با این عنوان که این روستاها "ارتقا" یافته‌اند عملاً بر این امر تأکید شده که زندگی روستایی در سطح پایین‌تری

اگر اقتصاد یک روستا پویا باشد آن روستا خود به خود ارتقا می‌یابد و از شهر هم جلو می‌زند



از زندگی شهری

قرار دارد. در حقیقت

آنان به جای اینکه مدیریت

روستایی (دهیاران) را جدی بگیرند و اختیارات و اعتبارات آنها را برای توسعه روستاها افزایش دهند تا سطح خدمات روستاها نسبت به شهرها افزایش

یابد؛ به تبدیل روستا به شهر بسنده کرده‌اند.

از سال ۸۵ تا ۲۰۹۰ روستای آجین و مهاجران بدون توجه به مقدمات و زیرساخت‌ها تنها با توجه به شاخص‌های جمعیتی و جغرافیایی با تبدیل شدن به شهر؛ رقم شهرنشینان را به میزان ۱۰ هزار و ۹۷۷ نفر افزایش داده‌اند.

همچنین از سال ۷۵ تا ۸۵ نیز تعداد ۳ روستا شامل برزول، زنگنه و گیان هر کدام به ترتیب با جمعیتی بالغ بر ۲ هزار و ۶۹۵ نفر، ۷۲۵ نفر و هشت هزار و ۱۰۲ نفر تبدیل به شهر شده‌اند که این رقم به تعداد ساکنان شهرها افزوده شده است. به تازگی

شنیده شده است که مسئولان

ملایر در صدد هستند روستای ازناو را نیز تبدیل به شهر کنند.

بدین ترتیب یک روستایی در مواجهه با این موضوع که دیگر سکونتگاهش به شهر تبدیل شده است هویت روستایی بودن خود را کم کرده و پیشه و ریشه خود را عوض می‌کند و در نهایت برای رشد و توسعه؛ شهر بزرگ

را به شهر کوچک خود ترجیح داده و مهاجرت می‌کند. کما اینکه با تبدیل روستایی کوچک به شهر حتی مردم روستاهای اطراف هم کم‌کم به آن شهر مهاجرت کرده و پیشه اصلی خود را برای بهرومندی از خدمات روستایی دیگر -که هم‌ایک شهری کوچک است- رها می‌کنند.

به گفته نماینده مردم شهرستان اسدآباد اگر محوریت تولید را به روستاها دادیم و روستاها را اصلی‌ترین ستون اقتصادی عنوان کردیم باید با همین نگاه اعتبارات را هم تقسیم می‌کردیم تا بدین ترتیب روستا به شهر تبدیل نمی‌شد. اما هم‌ایک با توجه به شرایط کشور و قانون ارتقای روستاها

خواهد بود.

بهروز نعمتی اظهار کرد: مشکل عمده ما این است که اعتبارات از بالا به پایین است نه از پایین به بالا. به همین دلیل ارتقا می‌تواند در جذب اعتبار مقید باشد. وی ادامه داد: رقابت کاذب برای تبدیل روستا به شهر و یا شهر به شهرستان در بین نمایندگان و مسئولان ایجاد شده است.

وی گفت: شهری را سراغ دارم که با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بدون زیرساخت‌های مناسب تبدیل به شهرستان شده و سایر مسئولان هم برای اینکه از این قافله عقب نمانند به دنبال معرفی روستا و یا شهری برای ارتقا برآمده‌اند. این رقابت کاذب بدون توجه به زیرساخت‌ها، مناسب نیست اما ارتقا و تبدیل شدن به شهر خوب است.

علاوه بر آن بنیاد مسکن هم

سال‌هاست با هدف بهسازی، نوسازی و مقاوم‌سازی روستاها، کالبد و بافت اصلی روستایی را تغییر داده است چنانکه آن خانه زیبای روستایی که یک طرفش باغچه‌ای کوچک با حوض آبی زیبا و درختانی ممرق قرار دارد و طرف دیگرش محلی برای نگهداری حیوانات اهلی است

را به شهر کوچک خود ترجیح داده و مهاجرت می‌کند. کما اینکه با تبدیل روستایی کوچک به شهر حتی مردم روستاهای اطراف هم کم‌کم به آن شهر مهاجرت کرده و پیشه اصلی خود را برای بهرومندی از خدمات روستایی دیگر -که هم‌ایک شهری کوچک است- رها می‌کنند.

به گفته نماینده مردم شهرستان اسدآباد اگر محوریت تولید را به روستاها دادیم و روستاها را اصلی‌ترین ستون اقتصادی عنوان کردیم باید با همین نگاه اعتبارات را هم تقسیم می‌کردیم تا بدین ترتیب روستا به شهر تبدیل نمی‌شد. اما هم‌ایک با توجه به شرایط کشور و قانون ارتقای روستاها

را به شهر کوچک خود ترجیح داده و مهاجرت می‌کند. کما اینکه با تبدیل روستایی کوچک به شهر حتی مردم روستاهای اطراف هم کم‌کم به آن شهر مهاجرت کرده و پیشه اصلی خود را برای بهرومندی از خدمات روستایی دیگر -که هم‌ایک شهری کوچک است- رها می‌کنند.

به گفته علیرضا رنجبرضرابی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان طی ۲ سال گذشته سطح

رقابت کاذب برای تبدیل روستا به شهر و یا شهر به شهرستان در بین نمایندگان و مسئولان ایجاد شده است

به شهر به طور قطع این تبدیل‌ها در کاهش حاشیه‌نشینی اثرگذار

خواهد بود.

بهروز نعمتی اظهار کرد: مشکل عمده ما این است که اعتبارات از بالا به پایین است نه از پایین به بالا. به همین دلیل ارتقا می‌تواند در جذب اعتبار مقید باشد. وی ادامه داد: رقابت کاذب برای تبدیل روستا به شهر و یا شهر به شهرستان در بین نمایندگان و مسئولان ایجاد شده است.

وی گفت: شهری را سراغ دارم که با ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بدون زیرساخت‌های مناسب تبدیل به شهرستان شده و سایر مسئولان هم برای اینکه از این قافله عقب نمانند به دنبال معرفی روستا و یا شهری برای ارتقا برآمده‌اند. این رقابت کاذب بدون توجه به زیرساخت‌ها، مناسب نیست اما ارتقا و تبدیل شدن به شهر خوب است.

علاوه بر آن بنیاد مسکن هم

سال‌هاست با هدف بهسازی، نوسازی و مقاوم‌سازی روستاها، کالبد و بافت اصلی روستایی را تغییر داده است چنانکه آن خانه زیبای روستایی که یک طرفش باغچه‌ای کوچک با حوض آبی زیبا و درختانی ممرق قرار دارد و طرف دیگرش محلی برای نگهداری حیوانات اهلی است

را به شهر کوچک خود ترجیح داده و مهاجرت می‌کند. کما اینکه با تبدیل روستایی کوچک به شهر حتی مردم روستاهای اطراف هم کم‌کم به آن شهر مهاجرت کرده و پیشه اصلی خود را برای بهرومندی از خدمات روستایی دیگر -که هم‌ایک شهری کوچک است- رها می‌کنند.

به گفته علیرضا رنجبرضرابی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان طی ۲ سال گذشته سطح

را به شهر کوچک خود ترجیح داده و مهاجرت می‌کند. کما اینکه با تبدیل روستایی کوچک به شهر حتی مردم روستاهای اطراف هم کم‌کم به آن شهر مهاجرت کرده و پیشه اصلی خود را برای بهرومندی از خدمات روستایی دیگر -که هم‌ایک شهری کوچک است- رها می‌کنند.

به گفته علیرضا رنجبرضرابی، رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان طی ۲ سال گذشته سطح

همدان‌پیام: حاشیه‌نشین به افرادی گفته می‌شود که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر حضور و سکونت دارند ولی نحوه اسکان و معیشت آنها از جامعه شهری کاملاً متمایز است و در نتیجه با جامعه شهری هماهنگ نشده‌اند. حاشیه‌نشینی یک پدیده اجتماعی است و این پدیده اختصاص به عصر فعلی نداشته و ریشه در ادوار و اعصار گذشته دارد. این پدیده هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود داشته و دارد و تنها تفاوت آن در کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای در حال توسعه، از حیث ریشه‌های تاریخی به وجودآورنده و رفتار کالبدی و اجتماعی آن است.

ایران نیز از این پدیده مصون نمانده منتهی شرایط حادی که در برخی کشورها از جمله برزیل، هندوستان و پرو و برخی کشورهای آفریقایی وجود دارد در کشور ما، حاکم نیست اما از حیث قدمت مشابه دیگر کشورهاست. در ایران پیش از آغاز دهه ۴۰ شهرنشینی رشد کندی داشت و در آستانه این دهه حدود ۳۳ درصد از جمعیت کشور در شهرها زندگی می‌کردند.

بیا اجرای طرح اصلاحات ارضی در آن دهه و

افزایش درآمدهای نفتی در دهه ۵۰، رشد شهرنشینی

شتاب بیشتری گرفت و این رشد چنان سرعت یافت

که در سال ۵۷ جمعیت شهرنشین کشور به ۶۴ درصد

رسید و در وضعیت فعلی مطمئناً این نسبت به سود

شهر نشینی افزایش یافته است و چون قشر عظیمی

از این حاشیه‌نشینان مهاجران از روستاها یا شهرهای

کوچک هستند مشکل فرآوری آنها این است که کجا

سکونت گیرند؟

■ **علل عمده پیدایش حاشیه‌نشینی**

در خصوص ایجاد پدیده حاشیه‌نشینی علل مختلفی موثر است که از آن جمله می‌توان به کمی درآمد روسای خانوار و بهای زیاد زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها، دافعه‌های مبدأ (مثل فقر و نداشتن زمین) که سبب گریز ساکنان آن از زادگاه‌های خویش و سرازیر شدن آنها به سوی شهرها می‌شود و هزینه زیاد زندگی شهری سبب پدید آمدن کانون‌های حاشیه‌نشینی می‌شود، اشاره کرد. عامل دیگر قطعه‌بندی‌های بزرگ زمین است که سبب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم درآمد و کم بضاعت گرفته می‌شود و به‌ناچار به مناطق حاشیه‌نشینی پناه می‌برند.

فقدان منطقه‌بندی و کاربری نامناسب زمین از دیگر علل است. اگر شهرها به‌صورت مناسب منطقه‌بندی و توسعه نیابند زمینه برای ساخت و سازهای غیرمجاز فراهم می‌شود و محلات زاغ‌نشین به وجود می‌آید. همچنین چنانچه زمین‌های مناسب برای خانه‌سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد ممکن است محلات فقر‌نشین شکل بگیرند.

مهاجرت هم از عوامل موثر در شکل‌گیری حاشیه‌نشینی است. این مهاجرت شامل مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن است.

حاشیه نشین سلامت؟! چرا و چگونه!

همدان‌پیام: در هر جامعه که رو به پیشرفت و توسعه دارد، مهمترین هدف مسئولان دغدغه مند و مدیر و مبدع، سلامت و بهداشت برای تمام افراد جامعه بدون هر گونه استثنایی است، چرا که مسئولان هر کشوری نیک می‌دانند برای تحقق همان آرمان‌های رفاه و پیشرفت کشور که مجذانه دنبال می‌کنند، مهمترین گام مبنایی، برخورداری از نیروی کار و همدلی و همیاری جمعیتی توانمند و جلب مشارکت و حضور فعالانه تمامی آحاد جامعه با همه قابلیت‌های عینی و توانمندی‌هایشان است که هر یک از این افراد می‌توانند چون قطره ای سه دریای عظیم حرکت جمعی پیوبندند و هر سدی را در جهت دستیابی کشور به اهداف عالیه برنامه ریزان و مدیران توسعه کشور از جا برافکنند. امروزه بر هیچکس پوشیده نیست که در جهت دستیابی به توسعه انسانی و توسعه پایدار، کیفیت جمعیت از کمیت آن، بس تعیین کننده تر و

در شکل‌گیری مناطق حاشیه‌نشینی حداقل در گسترش آن نقش و تأثیر عملکرد ادارات و دستگاه‌های دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.
■ **اوصاف عمومی مناطق حاشیه‌نشین**
عمده‌ترین نمداد جهانی حاشیه‌نشینی سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می‌آزارد؛ ساختمان‌های تخریب شلده و فرسوده را نشان می‌دهد؛ گذرگاه‌ها و معابر پرپیچ و خم و کم عرض است و اغلب راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش‌نشانی، اورزانس و پلیس در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد. حاشیه‌نشین‌ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله‌ها و جمع‌آوری نشدن آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه‌ها و دفع نشدن بهداشتی آن، آلودگی‌های صوتی، آلودگی هوا و… در این محلات مشهود است.

بیشتر خانواده‌های حاشیه‌نشین شغل رسمی برای تأمین معاش خود را ندارند و چون این افراد اغلب فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری هستند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست‌فروشی،

فرماندار همدان:

همدان مهاجرپذیر است

کک نذارستمی

همدان‌پیام: فرماندار همدان در مراسم تحلیف اعضای شورای اسلامی چهارمین دوره شهر همدان به ماده ۱۷۲ برنامه ۵ ساله دوم که در آن به جلوگیری از ساخت سکونتگاه‌های غیر رسمی اشاره شده، پرداخت.
حسن قهرمانی‌مطلق در آن مراسم خطاب به اعضای جدید شورا گفت همدان تنها شهر مهاجرپذیر استان بوده و مشکل حاشیه‌نشینی در آن بسیار بارز است و شورای شهر باید رسیدگی به این معضل شهری را در اولویت قرار دهد.
مهاجرپذیری همدان موضوعی غیر قابل انکار است که به گفته فرماندار همدان این مهم طی سال‌های ۸۵ تا ۹۰ منجر به افزایش جمعیت شهری همدان در حدود

تکدی‌گری و… رو می‌آورند. بر حسب آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد افراد این مناطق فاقد شغل هستند.
در مناطق حاشیه‌نشین خسرده فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند مشاهده می‌شود. این فرهنگ‌ها بسیار دیر جذب فرهنگ‌های شهری می‌شوند و این موضوع و نیز فقر فرهنگی افراد امکان نفوذ از نظر فرهنگی و اجتماعی

۱۰ درصد شده است که از شهر به شهر و یا از روستا به شهر صورت گرفته است.

حسن قهرمانی‌مطلق گفت: جمعیت کل شهرستان همدان در فاصله ۲ آمارگیری در سال ۱۳۷۵، ۵۶۳ هزار و۴۶۶ نفر بوده است که از این رقم ۴۱۹ هزار و ۵۸۹ نفر جمعیت شهری و ۱۴۳ هزار و ۸۷۷ نفر جمعیت روستایی را شامل می‌شود.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۸۵ نیز از جمعیت ۵۸۴ هزار و ۱۴ نفری شهرستان، ۴۹۳ هزار و ۸۴۹ نفر جمعیت شهری و ۹۰ هزار و ۱۶۵ نفر جمعیت روستایی بوده است که در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهرستان به ۶۵۱ هزار و ۸۲۱ نفر رسید که از این رقم نیز ۵۴۸ هزار و ۳۷۸ نفر جمعیت شهری و ۱۰۳ هزار و ۴۴۳ نفر جمعیت روستایی را شامل می‌شود.
قهرمانی‌مطلق با بیان اینکه نرخ رشد جمعیتی در سال‌های ۷۵ تا ۸۵ ۲/۶ درصد در شهرستان بوده است، گفت: نرخ رشد سال ۹۰ شهرستان ۱/۶ درصد بوده که با توجه به نرخ مولاید در سال که ۱۷ در هزار بوده است، نرخ فوت در همین سال ۵/۵ در هزار است.

وی نرخ خالص مولاید با کسر فوتی‌ها را ۱/۵ در هزار معادل ۱/۱۵ درصد اعلام

را در آنها برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم‌خانواده و… مشکل می‌کند.
از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح برای پر کردن اوقات فراغت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد.
اغلب در مناطق حاشیه‌نشین بسیاری از این عوامل قابل رؤیت است.

گونه تقسیم بندی های ذهنی یا عینی، شهرنشینان، به خودی و غیر خودی تقسیم بندی می‌شوند، و هر که فراسوی آن خطوط مرئی و گاه نامرئی قرار گرفت، به این نابرابری آشکار در برخورداری از مزایای زندگی اش، متفعلانه، تن در می‌دهد چرا که هویت اش را از همین پرچسب‌ها کسب و اخذ کرده است. در ادبیات جامعه شناختی سخن از این رفته است که مهم ترین عامل تداوم نابرابری در فرصت ها، و در جایگاه‌های اقتصادی اجتماعی، پذیرش نابرابری، توسط افراد است. هنگامی که شما جایگاه و شان خود را، هر آنچه به شما یاد داده شده، پذیرفتی، و باور کردی، دیگر تلاشی برای تغییر وضعیت خود نخواهی کرد چرا که تصورات بر این است که تو سزاوار همین بوده و هستی. افراد حاشیه نشین اجماع و شهر نیز، مرزهایی که ایشان را از سایر افراد جامعه جدا می‌کند: نخست در ذهن خود برپا کرده اند، همین مرزهای ذهنی است که گاه به حالت مرئی تری در می‌آید، آنچنانکه به عنوان مثال، ما براحتی در سطح کشور از مناطق محروم و مناطق برخوردار سخن می‌گوییم بدون این که بربرسیم مبنای این که برخی برخوردار باشند و مابقی محروم چه بوده است، مبنای این که گفته نشود مناطق حاشیه‌ای فلالن شهر، و به تبع آن، شرایط سکنی،

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

ضمیمه تحلیلی، اطلاع‌رسانی، آموزشی

مهاجرت = حاشیه‌نشینی



کرد و افزود: با فرض اینکه ۱/۷ درصد افزایش جمعیت شهرستان همدان بوده است، طی سال‌های ۸۵ تا ۹۰ و کسر ۱/۱۵ درصد مولاید می‌توان نتیجه گرفت که حدود ۱۰ درصدافزایش جمعیت شهری همدان ناشی از مهاجرت به این شهرستان بوده است.

فرماندار همدان به لزوم برنامه‌ریزی بیشتر برای وجود زیرساخت‌ها در این شهر مهاجرپذیر تأکید و عنوان کرد: به نظر من یکی از دلایل افزایش قیمت زمین و مسکن در این شهر مهاجرپذیر بودن همدان است.

قهرمانی‌مطلق همچنین به آمار جمعیتی شهرستان همدان در سال‌های ۴۵ و ۵۵ پرداخت و گفت: جمعیت شهرستان همدان در سال ۱۳۴۵، ۳۲۷ هزار و ۷۵۷ نفر شامل ۱۴۷ هزار و ۳۰۴ نفر جمعیت شهری و ۱۰۰ هزار و ۴۵۳ نفر جمعیت روستایی؛ در سال ۱۳۵۵، ۳۹۶ هزار و ۷۹۴ نفر شامل ۱۷۱ هزار و ۵۷۹ نفر جمعیت شهری و ۱۲۵ هزار و ۲۱۵ نفر جمعیت روستایی و در سال ۱۳۶۵، ۴۲۷ هزار و ۴۵۵ نفر شامل ۲۸۰ هزار و ۷۴۱ نفر جمعیت شهری و ۱۴۶ هزار و ۷۱۴ نفر جمعیت روستایی است.

جرم عمل می‌کنند. به‌طور مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتا، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشتند.

■ **راهکارهای مناسب برای جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی**

در ایسن زمینه باید به ۲ اصل توجه داشت: یکی ریشه‌یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه‌نشینی و

مناسب در روستا ایجاد شود تا سبب اقامت و ماندگار روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت‌های انبوه آنان به شهرها شود.

در زمینه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی باید اول اولویت با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از میان برود و پس از اینکه در زمینه‌های یاد شده میان شهرها و روستاهای کشورمان به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می‌توانیم به‌طور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره‌مند کنیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان به‌صورت توده‌ای، نیازی به مهاجرت به شهرها نمی‌بینند.

آنچه که اکنون به‌عنوان حاشیه‌نشینی شناخته شده جز جریان دیرپا و تاریخی مهاجرت جمعیتی جویای کار و رفاه و گریزان از روستاها و شهرهای کوچک به لحاظ دافعه‌های آن و نیز پس رانده شدن فقرا از درون شهرها به حاشیه ان، چیز دیگری نیست و این فرایند معلول طبیعی توسعه است و تا زمانی که حاشیه‌ها در برابر شهرها قرار گیرد حاشیه‌نشینی پدیده‌ای ناهنجار و ناپذیرفتنی است؛ اما زمانی که به پیشینه تاریخی این پدیده نگرسته شود آن را یک جریان دائمی، ماندگار و گریزناپذیر و حتی به عقیده برخی کارشناسان لازم و مفید برای توسعه‌می‌دانند.

پس این عقیده که باید مناطق حاشیه‌نشینی را تخریب کرد قابل دفاع نیست و باید با ساماندهی آن و فراهم کردن امکانات مورد نیاز برای حاشیه‌نشینان و کم کردن فاصله و خلأ موجود میان آنها و شهرنشینان اقدام کرد و این امر که از لوازم و مقدمات پیشگیری و کاهش میزان جرائم در این مناطق است امکانپذیر نیست مگر با مشارکت و همکاری و همدلی

دستگاه‌های مسئول.

اگر چنین مشارکتی انجام شود و راهکارهای توصیه شده در قبل به‌کار گرفته شود مطمئناً نظاره‌گر ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی در کشور و به تبع آن گسترش جرم و جنایات خواهیم بود. مناطق حاشیه‌نشین در شهرها هر چند که به صورت بی‌رویه، کنترل و سازماندهی نشده به وجود آمده است اما از دید اجتماعی ضروری است که با شناخت مسائل و مشکلات حاشیه‌نشینان به طور عام و کنترل و تنظیم خانوادگی به طور خاص راه حل اساسی در ارتباط با

برطرف کردن نیازهای بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این قشر عظیم است و به‌صورت بیمارگونه در شهرها به وجود آمده است؛ جستجو و اعمال شود تا ضمن برطرف کردن مسائل و مشکلات فردی و خانوادگی به حل آنها تا حدودی مساعدت شود. از طرفی دیگر امروزه هر چند مسئولان به امر تنظیم خانواده دقت و توجه خاصی دارند، اما در مناطق حاشیه‌نشین به علل ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی هنوز سطح باروری زنان در مقایسه با سایر زنان شهری بیشتر است که این امر در بلندمدت در گسترش حاشیه‌نشینی و افزایش مشکلات شهری نقش موثری دارد.

از میان بردن اختلاف سطح روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات در زمینه‌های یاد شده که سبب این اختلاف سطح شده در معیاری معقول و

از بالا تا پایین شهر "زندگی می‌کنیم". حاشیه نشینی همواره مرزی نیست که به صورت جغرافیایی در سطح کوچه ها و خیابان های شهر کشیده شده باشد، حاشیه‌نشینی مفهومی ذهنی و به عبارت علمی ترش یک سازه یا برساخته اجتماعی social construct است. و فرد حاشیه‌نشین کسی نیست که در آن سوی شهر یا فراتر از حدود منطقه معینی از شهر خانه دارد، حاشیه نشین فردی است که در ذهن خود، و دیگران، خود را در محدوده‌ای "حاشیه ای" و "منزوی" شناسایی می‌کند، نابرخودار از مواهب زندگی، با آرزوهایی، فرصت‌هایی، و امکاناتی پایین تر از دیگرانی که در مرکز جای دارند. مرکز توجه، مرکز امتیازات، مرکز برخورداری را به عبارتی دیگر مرکزی برای از ما بهتران. به این ترتیب، حاشیه نشینان در هر جامعه‌ای بسیار فراتر از آن هستند که با برخی سرمشای‌ها اعلام و معرفی می شوند. بسیاری از این حاشیه نشینان اصولاً با سبک و سبای خاصی سنتنی آریزایی و تخمین، دیده نشده و به حساب نمی‌آیند! این حاشیه‌نشینان‌اند که باید در نظام سلامت و نظام‌های سلامت دیده شده و بها داده شوند. به امید چنان روزی.

انجمن جامعه شناسی ایران